

رشم تلرم. لقب: «فرردم، نه.....دست برن!» دنال نك.....دودم و او را رشم. مادرم
لقب: «نو امروز برای ماری آمدی، برو.....لس». لمی صر لر دم و لشم: «الر.....استف من داسمد سوم

ناند اس ها را حوب نگاه لشم و.....
..... را سمارم».

مادر لقب: «نو می خواهی داسمد
سوی، حوب است ولی ناند.....ناسی
نه حرهای دنگر..... برسانی». لشم:
«اس هاهم در اس مدت دست و مای من
را سمارد، اس وقت همه داسمد می سوم.
من..... اس ها.....».

